

منابع سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق جدید^۱

علی اکبر جعفری*

ملیحه نیکروش**

چکیده

این مقاله سعی دارد به این سؤال اصلی پاسخ دهد که با توجه به نفوذ جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق و اهمیت عراق جدید در محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران، منابع قدرت نرم‌افزاری ایران در این کشور شامل چه مؤلفه‌هایی می‌باشد؟ یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که مواردی از قبیل: مواضع ایران بعد از اشغال عراق، سقوط رژیم ضد ایرانی، روی کار آمدن شیعیان در عرصه سیاسی، احزاب فعال شیعی در کشور عراق، برگزاری راهپیمایی روز قدس، مفاد قانون اساسی جدید عراق و کمک‌های بلاعوض و بشردوستانه ایران به عراق برای بازسازی ویرانی‌های پس از جنگ، از جمله منابع و ابزارهای سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق جدید محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی

عراق جدید، قدرت نرم، ایران، انقلاب اسلامی.

مقدمه

یکی از منابع قدرت نرم در عرصه روابط بین‌الملل، منابع سیاسی است که نظام‌های سیاسی به طور

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی در دانشگاه مازندران است.

*. استادیار دانشگاه مازندران.

malihenikraves@ymail.com

** کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران.

تاریخ پذیرش: ???

تاریخ دریافت: ???

بالقوه از این منبع برخوردار هستند ولی درجه و میزان منابع سیاسی و تأثیرگذاری آنها دارای شدت و ضعف می‌باشد. آن دسته از نظام‌هایی که از منابع سیاسی بیشتری برخوردار باشند، توانمندی آنها در عرصه بین‌الملل افزایش می‌یابد و به تعبیری دیگر، قدرت نرم آنها تقویت و قابلیت تأثیرگذاری بیشتری دارد.

یکی از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، منابع سیاسی است و این دست از منابع در کشور عراق نیز وجود دارد. افزایش قدرت نرم ایران در کشور عراق از طریق شناسایی دقیق منابع قدرت نرم در این کشور قابل دستیابی است؛ زیرا با شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق، می‌توان برای افزایش نفوذ و قدرت ایران در این کشور استراتژیک برنامه ریزی کرد و با اتخاذ راهبردها و سیاست‌گذاری‌های مطلوب ناشی از شناخت صحیح مؤلفه‌های قدرت نرم در عراق جدید، ظرفیت و پتانسیل‌های جمهوری اسلامی ایران را افزایش داد.

از این رو، سؤال اصلی مقاله حاضر عبارت است از: منابع قدرت نرم «سیاسی» جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید کدام‌اند؟ فرضیه اصلی این مقاله به این قرار است که جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق دارای منابع قدرت نرم است و این منابع بعد از سقوط رژیم بعثی بسیار فزونی یافته‌اند و شرایط سیاسی مناسبی برای تقویت و ارتقاء قدرت نرم در این کشور به وجود آمده است.

حدود پژوهش حاضر، به لحاظ مکانی منطقه خاورمیانه و به طور خاص ایران و عراق است. به لحاظ زمانی نیز از سقوط صدام و شکل‌گیری نظام سیاسی جدید تا زمان حال (۲۰۱۴ - ۲۰۰۳) و به لحاظ موضوعی بررسی منابع قدرت نرم سیاسی جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید را در بر می‌گیرد. فنون و تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی می‌باشد؛ یعنی از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک، پایان‌نامه‌ها، نشریات، مجلات و مقالات معتبر تخصصی استفاده می‌شود.

چارچوب مفهومی و نظری؛ قدرت نرم

بررسی تحول در ساختار سیاسی و الگوهای رفتاری کشورها نشان می‌دهد که هرگونه تغییر و دگرگونی، ناشی از رهیافت‌های قدرت^۱ است. (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۴۰) در همین راستا، می‌توان به تغییرات فرایندی فراوانی اشاره کرد که نظام جهانی را تحت تأثیرات قاطع و نافذ خود قرار داده است. بخش عمده‌ای از این تغییرات ناشی از پیشرفت‌های عظیم جامعه بشری در حوزه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی است. (امیری، ۱۳۸۹: ۲۰۵)

1. Power approaches.

از آنجایی که باور مشترک ناظران روابط بین‌الملل و آگاهان امور راهبردی آن است که اطلاعات، منبع قدرت است و انقلاب فناوری ارتباطات، این باور را تقویت نموده است، (Armistead, 2004: 4-20) می‌توان بر پیام «گرامشی»^۱ مبنی بر «حاکمیت بر انسان‌ها فقط با زور و اجبار امکان پذیر نیست، بلکه با عقیده می‌توان بر او حکومت کرد»، (Bates, 2002: 245) صحنه گذارد و پذیرفت که این برداشت را می‌توان برای کاربرد قدرت در روابط بین‌الملل مورد بهره‌برداری قرار داد. با این تفاسیر، قدرت دارای دو بافت متفاوت یعنی «سخت»^۲ و «نرم»^۳ است. (ساعد، ۱۳۸۹: ۸۸)

راهبردهای معطوف به قدرت نرم در راستای نیل به راه‌حل‌های مشترک بر ارزش‌های سیاسی مشترک، ابزارهای مسالمت‌آمیز برای مدیریت مناقشه‌ها و همکاری اقتصادی تأکید دارند. (رشاد، ۱۳۹۰: ۱۶ - ۱۵) بر این پایه، یک کشور می‌تواند به مقاصد مورد نظر خود در سیاست جهانی نایل آید؛ چون کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را می‌پذیرند و از آن تبعیت می‌کنند و به نوعی تحت تأثیر پیشرفت و آزاداندیشی آن قرار می‌گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می‌گردند. (Nye, 2004: 5-8)

با این اوصاف برخی از تعاریف قدرت نرم عبارتند از: هرگونه اقدام غیر خشونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هدف را مورد هجوم قرار می‌دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای رفتاری موجود و خلق الگوهای جدیدی می‌شود که با الگوهای رفتاری مورد نظر حاکم تعارض دارد. (کرمی، ۱۳۸۷: ۳) در جایی دیگر آمده است: تلاش برنامه‌ریزی شده برای استفاده از ابزارها و روش‌های تبلیغی، سیاسی و روانشناختی، برای تأثیر نهادن بر حکومت‌ها و مردم کشورهای آماج به منظور تغییر نگرش، ارزش‌ها و رفتارهای آنان را قدرت نرم می‌دانند. (نائینی، ۱۳۹۰) به عبارتی دیگر، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با به کارگیری ابزاری چون فرهنگ، آمال و یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیر مستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. (کرمی، ۱۳۹۱: ۱۴۱)

منابع سیاسی قدرت نرم ایران در عراق

۱. مواضع و سیاست‌های ایران بعد از اشغال عراق

سیاست‌های یک دولت، یکی از عوامل مؤثر در قدرت نرم محسوب می‌شود. در خصوص رفتار اعلامی و حقوقی ایران، دولت جمهوری اسلامی ایران، به رغم همه فشارها، تنش‌ها، پیشینه‌ها و تمایلات استراتژیک، در قبال تحولات عراق موضع‌گیری منطبق بر حقوق بین‌الملل را اتخاذ کرد. در

1. Gramsci.
2. Hard.
3. Soft.

بعد حقوقی و رسمی، ایران در چارچوب متعارف رفتار بین‌الدولی حرکت کرد. بدین معنی که اولاً هیچ‌گاه اصل اشغال نظامی عراق را مورد تأیید قرار نداد؛ زیرا اشغال نظامی عراق از نظر حقوق بین‌الملل مورد تأیید مراجع ذیصلاح جهانی قرار نگرفته است. ثانیاً، ایران شیوه‌های یک‌جانبه‌گرایانه اداره بحران بین‌المللی عراق را محکوم کرد. متقابلاً تأکید ایران بر اتخاذ شیوه‌های چندجانبه‌گرایانه و مخصوصاً توجه به سازمان ملل و سازوکارهای موجود در آن بود. ثالثاً، ایران راه حل‌های منطقه‌ای و برآمده از درون منطقه را مورد تأکید قرار می‌داد. به دلیل تجربه در اداره بحران بین‌المللی در افغانستان که در آن ایران به عنوان یکی از همسایه‌های افغانستان با مجموعه همسایگان آن کشور و اعضای دائم شورای امنیت، جلسات هماهنگی در چارچوب فعالیت‌های سازمان ملل متحد داشت، پیوسته از راه حل مشابه در مورد عراق حمایت کرده است. در مجموع سه ویژگی «مخالفت با نفس اشغال»، «تکیه بر سازوکارهای چندجانبه با محوریت سازمان ملل» و «تأکید بر راه حل‌های منطقه‌ای» عناصر موضع‌گیری حقوقی و رسمی ایران را تشکیل می‌دهند. این مواضع اصولی، جهانی، قابل دفاع و در راستای منافع همه جانبه ایران می‌باشد. (سجادپور، ۱۳۸۳: ۸۱۱) ایران از زمان فروپاشی رژیم بعث و آغاز روند جدید دولت - ملت سازی در عراق، اصلی‌ترین حامی منطقه‌ای این روند محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که شورای حکومتی را به رسمیت شناخت و یک هیئت ویژه سیاسی را به عنوان اولین هیئت رسمی بعد از سقوط صدام و به منظور دیدار با اعضای این شورا به عراق اعزام کرد. در حالی که کشورهای منطقه بسیار محتاطانه و با رفتاری سرد با این شورا برخورد کردند.

ایران همچنین با استفاده از نفوذ گسترده و طبیعی خود در میان شیعیان عراق، نقش مهمی در تثبیت امنیت و ایجاد تعادل در عراق جدید ایفا کرد. شرایط جدید، فرصت مناسبی برای گروه‌های مختلف شیعی فراهم کرد تا برای اولین بار نه تنها هویت و موجودیت خود را مورد تأکید قرار دهند، بلکه قدرت سایر رقبا از جمله سنی‌ها را متعادل کنند. نقش سازنده ایران در پیگیری سیاست ایجاد تعادل در صحنه قدرت مرکزی و با حضور تمامی گروه‌ها و هویت‌های سیاسی عراق قابل ارزیابی است.

ایران همواره سعی کرده تا از طریق ایجاد تعادل بین گروه‌های مختلف سیاسی در عراق، مانع از گسترش ناامنی و بی‌ثباتی در این کشور شود. (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۵۱) اعزام تیمی از وزارت خارجه برای آرام کردن شیعیان عراق و متعادل کردن مطالبات آنها از جمله مصادیق پیگیری چنین سیاستی بود. (سنایی و عبدالله‌پور، ۱۳۸۸: ۱۷۳) همچنین نقش مؤثر ایران در آرام کردن جنبش شیعیان به رهبری مقتدا صدر و متعاقب آن، تسلیم تسلیحات آنها قابل توجه است. بی‌تردید ایفای این نقش، زمینه‌های بروز جنگ داخلی در عراق را رفع کرد.

ایران همچنین نقش حمایت‌گر در روند برقراری انتخابات عمومی عراق، تشکیل مجمع ملی موقت عراق و دولت موقت داشته است که وظیفه به تصویب رساندن قانون اساسی عراق را بر عهده داشتند. از سوی دیگر، ایران در تمامی کنفرانس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه آینده عراق از جمله کنفرانس مهم قاهره حضور و مشارکت فعال داشته و نقش مثبت ایفا کرده است. (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۵۲ - ۱۵۱)

در مجموع، می‌توان گفت روند مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات عراق نوین از نظر سیاست‌های اعلامی، فراگردی منطقی و عقلانی را طی کرده است. مواضع ایران در مخالفت با کاربرد زور از طریق اقدامات یک‌جانبه آمریکا، تلاش‌های دیپلماتیک ایران برای به تعامل رساندن صدام در قبال فشار جهانی از طرق مختلف، ابراز خرسندی دولت و مردم ایران از سقوط نظام بعثی، به رسمیت شناختن شورای انتقالی و برقراری روابط دیپلماتیک و انجام سفرهای رسمی معطوف به توسعه مناسبات دوجانبه سیاسی - تجاری، مؤید سیاست‌های منطقی و عقلانی ایران در مقابل عراق است. تمام این موارد منجر به ایجاد اعتماد به ایران، به عنوان کشوری که همواره در شرایط سخت حامی این کشور بوده است، گردید. همچنین، جلوه و دیدگاه مثبتی را ایجاد کرده و به برقراری روابط بیشتر میان دو کشور کمک کرده و همین امر در ارتقاء قدرت نرم ایران مؤثر بوده است.

۲. سقوط رژیم ضد ایرانی بعث و صدام حسین

از ابتدای قدرت گرفتن بعثی‌ها در عراق تا اضمحلال قدرت آنها، به رغم فراز و نشیب‌های مختلف در روابط دو جانبه ایران و عراق، بعثی‌های عراق، هویتی ایران‌ستیزانه داشتند و ایران متقابلاً هیچ‌گاه به این رژیم، به خصوص قدرت محوری و مرکزی آن یعنی صدام حسین اعتمادی نشان نداد. (سجادپور، ۱۳۸۳: ۸۰۵) تهاجم به ایران و تحمیل جنگ هشت ساله و همچنین تهاجم به کویت و اشغال این کشور، دو نمونه بارز سیاست‌های افراطی حکومت بعث در عراق بوده است. (برزگر، ۱۳۸۷: ۶۱ - ۶۰) اخراج بیش از چهل هزار نفر از ایرانی تبارها، تحت عنوان ستون پنجم که به عنوان پیشگامان توسعه‌طلبی در عراق متهم و اخراج شدند، در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ م / ۱۳۹۰ ق، از نقاط عطف ایران‌ستیزی رژیم بعثی تلقی می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۴: ۶۶)

نابودی حزب بعث و ساختار سیاسی آن، آرزویی استراتژیک برای ایران بر اساس محاسبات منافع ملی بود و به رغم همه مخالفت‌های اصولی، ساختاری و بنیادین با نفس حرکت آمریکا علیه عراق، وحدت نظر و اجماعی بی‌نظیر بین نخبگان و مردم ایران در سودمندی حذف صدام و رژیم او وجود داشت؛ (سجادپور، ۱۳۸۳: ۸۱۲) چراکه صدام حتی تا واپسین روزهای فروپاشی حکومتش حاضر به

پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نشده بود و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی عراق نیز به معنای برقراری صلح در مرزهای دو کشور نبود و در صورت ادامه یافتن حاکمیت حزب بعث، بی‌گمان ناامنی در مرزهای غربی ایران همچنان باقی می‌ماند. در همین حال، عراق جدید به یکی از دروازه‌های اصلی ایران به سوی جهان عرب تبدیل شده است؛ چون در گذشته عمدتاً رژیم بعث در عراق بود که مانع مناسبات دوستانه بین ایران و سایر کشورهای عرب منطقه شد. (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۶: ۱۲۰ - ۱۱۹)

در عراق نیز، شکست صدام به عنوان اصلی‌ترین مخالف جنبش شیعیان، موقعیت شیعیان در هرم قدرت را بهبود بخشید. فروپاشی رژیم بعث که به برتری قدرت شیعیان و کردها در ساختار سیاسی نوین عراق منجر شد، به افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران و دگ‌گونی در معادلات قدرت خاورمیانه منتهی شد. سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان سعودی استدلال کرد که حمله آمریکا، «عراق را دو دستی تقدیم ایران کرد.» (اقتباسی از اردیزی، ۱۳۹۰: ۳: wery and et.al, 2010)

به هر حال، سقوط رژیم بعث عراق و صدام حسین زمینه‌های تهدیدزدایی را فراهم آورد به گونه‌ای که ناسیونالیسم عربی افراطی در این کشور فروکش کرد و امنیت تا حدودی به مرزهای ایران بازگشت، افکار ضدایرانی کاهش یافت و در عین حال، زمینه‌های مراودات دیپلماتیک افزایش یافت، نوعی مساعدت بین نخبگان سیاسی و مسئولین دو کشور صورت گرفت و در نهایت زمینه‌های لازم برای کسب اعتماد و اعتبار برای ایران در کشور عراق مهیا شد.

۳. روی کار آمدن شیعیان در عرصه سیاسی

بزرگ‌ترین تحول در عراق آن بود که اکثریت شیعه این کشور که تا زمان سقوط صدام حسین به هیچ وجه قدرت را در اختیار نداشتند، هم اکنون بیشتر پست‌های مهم را در اختیار دارند. حکومت صدام حسین در عراق، نمونه بارز حکومت پان عربیستی بود. به رغم اینکه عرب‌های سنی در عراق ۲۰ تا ۲۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دادند، رژیم هر روز بیش از پیش قبیله‌ای‌تر، بی‌رحم‌تر، سنی‌تر و عرب‌تر می‌شد. (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

سرنوشتی صدام زمینه حضور شیعیان و خروج آنها از انزوا را فراهم ساخت. آمریکا که با شعار استقرار دموکراسی به اشغال عراق مبادرت ورزید، نمی‌توانست اکثریت شیعه این کشور را نادیده بگیرد و از ورود آنها به عرصه سیاست و حکومت جلوگیری کند. (همان: ۱۱۶) مشارکت فعال برخی از رهبران جنبش اسلامی عراق (اعم از شیعه و سنی) در شورای حکومت انتقالی و سپس در مجلس و دولت موقت و دائم عراق، به ویژه در سطوح بالای قدرت، حاکی از این است که با سقوط صدام زمینه فعالیت سیاسی نیروهای اسلامی در عراق به طور کامل افزایش یافته است. شیعیان در کلیه

نهادهای سیاسی جدیدالتأسیس جایگاه مناسبی به خود اختصاص داده‌اند؛ به طوری که در هیچ کدام از نهادهای اساسی، بدون در نظر گرفتن شیعیان تصمیم‌سازی امکان‌پذیر نیست.

سقوط رژیم بعث و تشکیل دومین دولت شیعی منطقه در این کشور به معنای آغاز فصل جدیدی در معادلات امنیتی و سیاسی خاورمیانه و موج نوین احیای آگاهی اسلامی و بازسازی هویت شیعیان و تأثیر آن بر فرآیندهای سیاسی منطقه است. این تحولات قواعد و الگوی روابط منطقه‌ای اعراب را دگرگون کرده و با به قدرت رسیدن شیعیان عرب در عراق، زمینه مناسبی برای هویت‌یابی شیعیان در تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس که مسلمانان فراموش شده و شهروندان درجه دوم هستند را به وجود آورده است.

بنابراین تحولات سیاسی عراق سبب شده است تا شیعیان عراق به مرکز تأثیرگذار هویت و رفتار سیاسی سایر شیعیان عرب تبدیل شوند و شیعیان منطقه که همواره با دیده تردید نسبت به وفاداری آنان به دولت مرکزی نگریسته شده است و در وضعیت نابسامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارند به دنبال تثبیت قدرت خود و بهبود اوضاع سیاسی و اقتصادی شیعیان برآیند. (جاودانی مقدم، ۱۳۹۱: ۳۹)

در دو انتخاباتی که در سال ۲۰۰۵ برگزار شد، شیعیان در انتخابات ژانویه، ۱۴۰ کرسی و در انتخابات دسامبر، ۱۲۸ کرسی به دست آوردند. بیشتر مقامات دولت جدید عراق دوران تبعید خود را در ایران گذرانده بودند. ابراهیم جعفری، نخست‌وزیر عراق و دبیرکل حزب‌الدعوه، در زمان جنگ ایران و عراق ده سال در ایران پناهنده بود. عبدالعزیز حکیم که از زمان جنگ ایران و عراق، تا سال ۲۰۰۳ در ایران پناهنده بود، رئیس مجلس اعلاهی اسلامی عراق و رهبر ائتلاف یکپارچه عراق بود. آیت‌الله العظمی سیستانی بانفوذترین فرد در جامعه عراق، ایرانی بود. همام حمودی رئیس کمیته قانون اساسی، عضو مجلس اعلاهی اسلامی عراق بود و بیست و دو سال در ایران زندگی کرده بود. عادل عبدالمهدی، معاون رئیس‌جمهور عراق، وزیر مالیه در دولت ایاد علاوی، دهه ۱۹۸۰ را در ایران گذرانده بود. بیان جبر، وزیر مسکن و بازسازی دولت موقت و وزیر کشور، از اعضای مجلس اعلاهی اسلامی عراق بود و دهه ۱۹۸۰ به ایران پناهنده شده بود. (اردیزی، ۱۳۹۰: ۷۱ - ۷۰)

اکثریت بیش از ۶۰ درصدی شیعیان عراق و مشارکت فعال احزاب و گروه‌های شیعه و سنی در ساختار قدرت حکومت، همگی حاکی از تغییر توازن قدرت به نفع جریان اسلامی در عراق است، این امر به سود جمهوری اسلامی ایران به عنوان پرچمدار جریان اهل تشیع در منطقه بوده است و ایران باید از این فرصت برای وارد کردن شیعیان در نظام سیاسی آینده عراق و سایر کشورها استفاده کند.

۴. احزاب فعال شیعی در صحنه سیاسی عراق

می‌توان بیان داشت که نخستین عامل نفوذ ایران در جنوب عراق، احزاب عراقی هستند که پس از

سرنوشتی رژیم بعث از تبعید در ایران به کشورشان بازگشتند. از جمله، شورای عالی انقلاب اسلامی در عراق و حزب الدعوه که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۷۰ به دلیل مخالفت با رژیم بعث به فعالیت‌های زیرزمینی روی آوردند و بسیاری از اعضای آنها کشته و متواری و عده‌ای در دهه ۱۹۹۰ به خارج از عراق پناه بردند. این احزاب در ایران پیرو اندیشه‌های ولایت فقیه امام خمینی بودند و از رژیم ایران به شدت حمایت می‌کردند. شورای عالی انقلاب اسلامی نیز سال ۱۹۸۲ در ایران تشکیل شد. شاخه نظامی آن، یعنی نیروهای بدر نیز تشکیل و توسط نیروهای سپاه قدس ایران آموزش دیدند و در جنگ ایران و عراق به نفع ایران جنگیدند. (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۸۸: ۵۳)

در فرایند تشکیل دولت عراق می‌توان به حضور قوی مجلس اعلای عراق و نیز حزب الدعوه که دارای گرایش‌های مثبت به ایران هستند، اشاره کرد؛ این امر می‌تواند نویدبخش تداوم دوستی دو همسایه و سنگ بنای مستحکم روابط آینده قلمداد شود. (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۲۸ - ۲۷)

مجلس اعلای اسلامی دارای گرایش بیشتری به سوی ایران است و ارتباط آن با مقامات ایرانی قوی‌تر است. این گرایش تا حد زیادی به این واقعیت مربوط می‌شود که اکثر رهبران مجلس اعلای سال‌های تبعید خود را در ایران سپری کردند و در طول سال‌های جنگ ایران و عراق نیز در کنار مردم ایران بودند. حزب الدعوه نیز دارای گرایش و دیدگاهی مثبت نسبت به ایران است، اما به نظر می‌رسد نزدیکی آنها به ایران کمتر باشد. (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۱) از آنجایی که احزاب شیعی در دوران رژیم بعث به حاشیه رانده شده بودند و در عراق جدید زمینه‌های فعالیت آنها مهیا گشته است، فرصتی مناسب برای دولت‌های شیعی و به خصوص ایران فراهم گردیده است تا با استفاده از این احزاب بتوانند به کنشگری فعال در این کشور بپردازند و از حمایت این احزاب بهره بگیرند.

۵. مفاد قانون اساسی جدید عراق

امروزه در قانون اساسی عراق با تلاش مرجعیت شیعه، اسلام به عنوان دین رسمی کشور و منبعی برای تدوین قوانین که نمی‌توان برخلاف آن، قانونی را وضع کرد، ذکر شده است. مطابق ماده دو قانون اساسی عراق، «اسلام، دین رسمی کشور و یک منبع اساسی قانون‌گذاری است» و در ماده دو اضافه شده که «هیچ قانونی که مغایر با احکام بی‌چون و چرای اسلام باشد، نمی‌تواند تصویب شود». (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۲۳) در ماده سوم این قانون، از عراق به عنوان بخشی از جهان اسلام نام برده شده است. همچنین در این قانون آمده است که شهرهای مقدس عراق همانند کربلا، نجف، کاظمین و سامرا از خصوصیت دینی ویژه‌ای برخوردار هستند. همچنین باید شعائر حسینی به عنوان یک آزادی دینی و مذهبی برای شیعیان به رسمیت شناخته شود. قانون یاد شده حقوق اقلیت‌های

عراق را به رسمیت شناخته و احترام ویژه‌ای برای اسلام در نظر گرفته است. (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۰)

گرچه توقع شیعیان اسلام‌محور در تبیین جایگاه اسلام از جمله شناخته شدن اسلام به عنوان تنها منبع قانون‌گذاری به علت مخالفت برخی جریان‌های داخلی (اکراد و جریان‌های لائیک) و کشورهای ذی نفوذ (آمریکا و انگلیس) محقق نشد، اما غیر مجاز تلقی شدن تدوین قوانین در تعارض با احکام ثابت اسلامی و همچنین دیگر موادی که اشاره شد، دال بر موفقیت جریان‌های اسلام‌گرا در گنجاندن سطح قابل قبولی از خواسته‌های آنها می‌باشد که این امر می‌تواند از شکل‌گیری عراق با هویتی غیرواقعی و یا مخالف با اعتقادات اسلامی مردم این کشور جلوگیری کند. (آیتی، ۱۳۹۱: ۷۶ - ۷۵)

از طرف دیگر در قانون اساسی موقت عراق، سعی شده است از نفوذ عوامل اصلی رژیم بعثی سابق در ارکان اساسی نظام فعلی جلوگیری شود؛ زیرا از نگاه حاکمان فعلی، آنها تهدیدی برای اصول و ارزش‌های شناخته شده در قانون اساسی و نوع حکومت فعلی به شمار می‌آیند؛ برای نمونه در مواد ۳۱، ۳۶ و ۳۹ قانون اساسی موقت عراق، اعضای اصلی حزب بعث عراق، حق نامزد شدن برای مجمع ملی، انتخاب در شورای ریاستی و نخست‌وزیری را ندارند. (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۲۱)

قانون اساسی جدید عراق، زمینه‌های ورود بعثی‌ها را به قدرت نمی‌دهد و از آنجایی که این گروه با ایران دارای ضدیت هستند این گزینه به نفع ایران است. اسلام در قانون اساسی جدید به یک منبع اساسی تبدیل شده است که در عین حال، دین رسمی می‌باشد و موازین رسمی این کشور تحت تأثیر احزاب اسلامی قرار می‌گیرد. مفاد قانون اساسی جدید عراق، ظرفیت‌های بازیگری و نقش آفرینی ایران را در عراق افزایش می‌دهد و برخی موانع که در زمان صدام وجود داشت، از سر راه ایران برداشته شده است.

۶. روابط دیپلماتیک و مراودات مقامات حکومتی دو کشور ایران و عراق

عراق جدید با حضور بارز شیعیان در حکومت و سیاست این کشور، نیاز به تعریف جدیدی از روابط دو کشور دارد. این تعریف جدید می‌تواند روابط دو کشور را از تفکرات سنتی مبتنی بر سوءظن و بی‌اعتمادی که هزینه‌های زیادی را در طی سال‌های گذشته - حاکمیت اقلیت سنی و حزب بعث - از لحاظ امنیتی - سیاسی و نظامی بین دو کشور تحمیل کرده، دور کند و آنها را به دوست و همکار یا حداقل رقیب سازنده و قابل اعتماد در منطقه تبدیل کند. (برزگر، ۱۳۸۷: ۶۶) در طول سال‌های گذشته، تأکید بر مقاصد ارزشی و حساسیت‌برانگیز از جمله ناسیونالیسم عرب و عجم، شیعه و سنی و ... مناسبات طرفین را بر اساس بی‌اعتمادی، تنش و رقابت مخرب پایه‌گذاری کرد. در شرایط جدید، اگر روابط طرفین بر اساس منافع مشترک و در چارچوب تأمین منافع ملی دو کشور تعریف شود، یا

به عبارتی از تفکر نظریه بازی با حاصل جمع صفر، خارج شود، این مسئله منجر به همکاری، تفاهم و رقابت سازنده بین دو کشور خواهد گردید که نتیجه آن ثبات و تعادل بیشتر در منطقه خواهد بود. ایران و عراق واقعیات عام و مشترک زیادی دارند؛ از جمله، منافع متقابل برای شرکت در سیستم امنیت دسته جمعی در حوزه خلیج فارس، همکاری‌های سیاسی و اقتصادی در چارچوب اوپک، بهره‌برداری از میادین نفتی مشترک، همکاری در حوزه‌های بندری و رودخانه‌ای از جمله اروندرود و به طور کلی برخورد با مسائل جهان اسلام از جمله مسئله فلسطین دارند که می‌تواند روابط را از مرحله تعارض و دشمنی به مرحله رقابت سازنده سوق دهد. (برزگر، ۱۳۸۷: ۷۳ - ۷۲) در سال‌های پس از اشغال عراق سفرهای مکرر رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، فعالان سیاسی و حزبی و ده‌ها تن از اعضای کابینه عراق به تهران و برعکس را می‌توان آغاز دوره‌ای جدید در روابط دوجانبه دانست. (هرسیج و توپسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۸۲)

در واقع در دوران حکومت صدام حسین، روابط دو کشور پر تنش و بر اساس بی‌اعتمادی بود، اما پس از فروپاشی حزب بعث و صدام حسین، این روابط رو به بهبودی نهاد. این روابط یکی از مؤلفه‌های افزایش قدرت نرم کشورها است که ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

۷. کمک‌های بلاعوض و بشردوستانه ایران به عراق برای بازسازی ویرانی‌های جنگ

کارشناسان و سیاستگذاران مسائل بین‌المللی، کمک‌های بلاعوض، بشردوستانه و کم بهره را یکی از ابزارهای سیاست خارجی و راهبرد امنیت ملی دولت‌های برخوردار معرفی می‌کنند. هدف از این کمک‌ها اقناع و ترغیب به تغییر رفتار از طریق قدرت نرم می‌باشد. به عبارتی دیگر، مساعدت‌های مالی و اقتصادی نقش مهم و زیادی در گسترش قدرت نرم کشورها دارد. (پیشگامی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۴) افزون بر اینها، جوزف نای در کتاب قدرت نرم مدعی می‌شود که میزان کمک‌های اقتصادی و مالی به کشورهای نیازمند و در حال توسعه نیز در بسط قدرت نفوذ کشورها اثرگذار است. (بیکی، ۱۳۸۹: ۵۶)

عراق بعد از خاتمه حمله آمریکا به این کشور آسیب جدی دیده بود. این کشور برای بهبود وضع خود و بنا کردن نهادهای اجتماعی پایه مثل مدرسه، بیمارستان و ... محتاج کمک و همراهی بود. به همین منظور ایران بعد از این حادثه، شروع به گسترش کمک‌ها در راستای بازسازی این کشور همسایه کرد. پس از جنگ، نفوذ اقتصادی ایران نیز در عراق گسترش یافت. ایران بزرگترین شریک تجاری عراق شد و تجارت دوجانبه دو کشور در اوایل سال ۲۰۰۹ به ۴ میلیارد دلار رسید. علاوه بر این داد و ستد، شرکت‌های ایرانی نقشی مهم در بازسازی عراق ایفا کردند. رئیس‌جمهور سابق،

احمدی‌نژاد در اولین سفر خود به عراق یک میلیارد دلار وام به شرکت‌های ایرانی که مایل به سرمایه‌گذاری در عراق بودند، اختصاص داد. در فوریه سال ۲۰۰۹، ایران برای ساختن مسکن، هتل، مدرسه، مراکز تجاری بصره، ۱/۵ میلیارد دلار قرارداد بست. ایران همچنین چندین پروژه را برای ساختن نیروگاه در عراق و اتصال شهرهای عراق به شبکه برق ایران انجام داد. ایران در بخش بانکداری عراق نیز سرمایه‌گذاری کرده است. (اردیزی، ۱۳۹۰: ۷۱)

علاوه بر این موارد، در سال ۱۳۸۲ «ستاد بازسازی عتبات عالیات و پشتیبانی عراق» در تهران تشکیل شد. فعالیت‌های این ستاد بر «بازسازی عتبات عالیات و اماکن مذهبی عراق حتی سایر کشورها و انجام خدمات علمی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، عمرانی و فعالیت‌های انسان دوستانه» متمرکز است. جمعیت هلال احمر ایران نیز در کشور عراق درمانگاه راهاندازی کرده است. نمایندگی‌های کمیته امداد امام خمینی نیز در عراق خدمات بهداشتی - درمانی قابل توجهی ارائه می‌کنند. قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا به عنوان یک نهاد غیر دولتی در زمینه توسعه و عمران کشور عراق پروژه «تونل ازمر» به طول ۲۴۰۰ متر را به اتمام رساند. (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۰۹ - ۱۸۷)

هدف ایران از کمک به عراق تقویت روابط میان دولت جدید این کشور و در عین حال تقویت موقعیت شیعیان عراق، با در نظر گرفتن این واقعیت که در خاورمیانه سنی‌ها اکثریت جمعیت و قدرت را دارند، می‌باشد. همچنین این کمک‌ها چهره و دیدگاه مثبتی نسبت به ایران در اذهان مردم رنج دیده عراق ایجاد می‌کند.

۸. سیمای ایران در منطقه به مثابه مخالف تروریسم؛ القاعده و طالبان

پس از اقدامات نظامی، امنیتی و اطلاعاتی آمریکا و دیگر کشورها در جریان جنگ علیه تروریسم بعد از حملات یازدهم سپتامبر، توانایی جذب نیرو و بسیج القاعده تا حد زیادی کاهش یافت، اما یک صحنه امیدبخش برای آنها در عراق پس از حمله آمریکا به آن کشور در سال ۲۰۰۳ ایجاد شد. (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۶۲) فعالیت القاعده در عراق از عمده‌ترین عوامل ناامنی و بی‌ثباتی این کشور بود.

القاعده برای تشدید ناامنی‌ها در داخل عراق و در نتیجه تضعیف شیعیان عراق سعی کرده است از شکاف‌های اجتماعی و سیاسی داخل این کشور به بهترین نحو استفاده کند و با تحریک سنی‌ها و شیعیان علیه یکدیگر زمینه‌های لازم را برای ایجاد جنگ داخلی مهیا سازد. با توجه به افزایش خشونت‌های فرقه‌ای در عراق به ویژه تا اواخر سال ۲۰۰۷، به نظر می‌رسد القاعده در این خصوص تا حد زیادی موفق بوده است. (Riedel, 2007: 2) ایران در زمینه جنگ علیه تروریسم در وسط دو

کانون اصلی تروریسم جهانی یعنی افغانستان و عراق قرار دارد. از این لحاظ، خاک ایران نقش مهمی در سد کردن عبور و انتقال تروریست‌ها در منطقه ایفا می‌کند.

ایران همواره عملیات‌های تروریستی را در نقاط مختلف جهان محکوم کرده و همواره در راستای مبارزه علیه تروریسم گام‌های مؤثری برداشته است. ایران نقش سازنده‌ای در زمینه سرنگونی طالبان و جنگ علیه تروریسم جهانی از طریق ایجاد هماهنگی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کرد. (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۵۰ - ۱۴۹) وجود هرج و مرج در عراق، القاعده و طالبان را که ضدیت شیعی و ایرانی داشته‌اند، دوباره در نزدیکی خاک ایران، پرورش داد. هیچ کشوری به اندازه ایران نمی‌تواند در زمینه حفظ امنیت و ثبات در عراق دارای نقش ثبات بخش باشد، واقعیتی که دولتمردان و استراتژیست‌های آمریکایی به آن کاملاً اذعان داشته و دارند. طرح درخواست مذاکره مستقیم از سوی آمریکا با ایران نمایانگر این واقعیت است. کمیته بیکر - همیلتون که به منظور برون رفت از شرایط پیچیده عراق توسط مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا تشکیل شده بود، بر نفوذ میان گروه‌های شیعه و اکراد و توانایی ایران تأکید شد و به دولت آمریکا توصیه شده بود که با ایران مذاکره کند. (واعظی، ۱۳۸۷: ۲۵)

اهمیت نقش ایران در زمینه‌های مختلف قابل ارزیابی است. در درجه اول، ایران می‌تواند نقش فعالی در سد کردن گسترش عملیات تروریستی از طریق مسدود کردن راه‌های نفوذ و اطلاعاتی و عملیات لجستیکی تروریست‌ها ایفا کند؛ چراکه یکی از برگ‌های برنده تروریست‌ها متحرک بودن آنهاست. نیروهای ایرانی به دلیل توان عملیاتی بالا که ناشی از تجربیات جنگ ایران و عراق می‌باشد، می‌توانند نقش مهمی در توقف عملیات تروریستی داشته باشد. در درجه دوم، نقش و نفوذ بالای ایران در گروه‌های مختلف سیاسی شیعی می‌تواند به عنوان یک اهرم برقراری ثبات و امنیت مورد استفاده قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران در روند شکل‌گیری و تثبیت عراق جدید نقش مثبتی ایفا کرد و در مقاطع گوناگون به عنوان بازیگر میانجی به وساطت بین گروه‌های مختلف قومی - مذهبی پرداخت و علی‌رغم میل باطنی بر روی کار آمدن شیعیان در عرصه دولت و حکومت همواره از شکل‌گیری دولتی که دربرگیرنده گروه‌های مختلف و حافظ و تأمین‌کننده منافع تمامی گروه‌ها باشد، حمایت کرده است؛ زیرا گسترش جنگ فرقه‌ای مساوی با گسترش ناامنی و بی‌ثباتی و مقدمه‌ای بر تجزیه عراق است. از این لحاظ نقش جمهوری اسلامی ایران در کاهش تنش‌ها و آرام کردن اوضاع بسیار حساس است. در نهایت، ایران با نفوذ گسترده در میان گروه‌های سیاسی گُرد می‌تواند نقش سازنده‌ای در کنترل نیروهای رادیکال گُرد داشته باشد. (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۶۶ - ۱۶۵)

اتخاذ سیاست‌های ضد تروریستی از سوی مقامات ایرانی وجهه مثبت کشور را تقویت می‌کند و

در عین حال می‌تواند به همکاری دو کشور در زمینه مقابله با تروریسم بیفزاید و خود همین امر، زمینه‌های فعالیت‌های مشترک دیگر را فراهم می‌آورد و در عین حال، اذهان عمومی عراق نسبت به ایران و سیاست‌های اتخاذ شده مسئولان ایرانی را تلطیف می‌کند.

۹. خروج نیروهای مجاهدین از عراق

سازمان مجاهدین خلق از جمله گروه‌های سیاسی بود که هم با رژیم شاهنشاهی به مبارزه پرداخت و هم با نظام جمهوری اسلامی. (فوزی، ۱۳۸۶: ۸۹) این گروه، خصمانه‌ترین مواضع را علیه انقلاب در زمان جنگ به صورت همکاری با رژیم عراق و استقرار پایگاه‌های نظامی در خاک دشمن و انجام عملیات جاسوسی داشته است. (دارابی، ۱۳۸۹: ۱۰۱) پس از پایان جنگ ایران و عراق، با ورود اعضای سازمان به عراق و تقویت نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی، فعالیت‌های مسلحانه سازمان در کشور به شدت کاهش یافت. پادگان نظامی اشرف در عراق که توسط صدام حسین در جریان جنگ با ایران به این فرقه تحویل داده شد، مکان مطلوبی برای فرقه رجوی به حساب می‌آمد که بتواند با فراغ بال به مغزشویی افراد خود پرداخته و آنان را برای اقدامات تروریستی آماده کند. (بی‌نا، ۱۳۹۰: ۴) ولی سقوط دولت صدام حسین در آوریل ۲۰۰۳ به حمایت‌های مالی و لجستیکی عراق از سازمان مجاهدین خاتمه داد. مخالفت‌ها نیز با حضور مجاهدین خلق در خاک عراق بر حمایت‌ها غلبه داشت؛ چراکه نقش و حضور گروه رجوی در عراق، خاطرات تلخی را برای مردم عراق تداعی می‌کرد. دکتر احمد چلبی، رئیس «کنگره ملی عراق» که در شورای حکومت انتقالی نیز حضور داشت، بر ضرورت اخراج این گروه تروریستی از خاک عراق تأکید کرد. (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۵: ۶۳۳ - ۶۳۲)

پس از تشکیل حکومت موقت عراق، که برخلاف اولتیماتوم قبلی و حتی اخطارهای مکرر، اخراج سازمان از خاک عراق تحقق نیافت، حامد البیاتی - معاون هوشیار زیباری وزیر امور خارجه عراق - در یکی از نخستین اظهارنظرهای رسمی، بیان داشت که عراق مایل است که این گروه داوطلبانه از عراق خارج شود. وی یادآور شد که تمامی افراد و گروه‌های سیاسی رسمی عراق بر این نکته اتفاق نظر دارند که عراق باید عاری از وجود گروه‌های نظامی و شبه نظامی باشد. همچنین، دولت عراق از مجاهدین خلق می‌خواهد از عراق خارج شوند تا مانعی در روابط ایران و عراق ایجاد نشود. (همان: ۶۳۵ - ۶۳۲) به طور خلاصه، از فرصت‌های جدیدی که برای ایران ایجاد شد، پیگیری مسئله گروه‌های معارض از جمله سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در این کشور می‌باشد. روند اوضاع در عراق جدید و استقرار مرحله به مرحله دولت مردمی که در مقابل همسایه خود (ایران)، احساس تعهد و دوستی دارد، آخرین روزه‌های باقیمانده برای خارج ساختن سازمان از وضعیت مرگ و فروپاشی تدریجی را کاملاً محو کرد.

بعد از دو دهه پیوند عمیق و همه جانبه سرنوشت رژیم صدام و سازمان رجوی، دیگر امکان حیات مستقلی برای این گروه از هم پاشیده و متلاشی، متصور نبود. با از هم پاشیدگی این سازمان که کارنامه سیاهی در ارتباط با ایران دارد، یکی از عوامل ناامنی در نزدیکی مرزهای کشورمان از میان برداشته شد. همچنین مقامات عراقی با حمایت نکردن و ابراز مخالفت با حضور این گروهک، زمینه‌های دوستی و مودت بیشتری را بین دو کشور فراهم کرد.

۱۰. مواضع ضد اسرائیلی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اینکه انقلاب مردمی ملت ایران در سال ۱۳۵۷، دارای ماهیتی اسلامی است، لذا مبارزه، نفی ظلم و حمایت از مظلومان، به عنوان یکی از اصول مهم در سیاست خارجی به شمار می‌آید. بر اساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. در این باره جمهوری اسلامی ایران در جریان جنگ ۳۳ روزه لبنان، با شدت و جدیت به حمایت آشکار از جنبش حزب‌الله در نبرد با اسرائیل پرداخت؛ همچنین جمهوری اسلامی در حمله اسرائیل به غزه در جنگ ۲۲ روزه نیز به حمایت از جنبش اسلامی فلسطین، حماس، پرداخت. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۰۷) این برنامه از گذشته در دستور کار ایران قرار داشته است. حزب‌الله و گروه‌های مبارز فلسطینی مهم‌ترین مصادیق جنبش‌های اسلامی تحت حمایت ایران هستند. نگرش مردم عراق نیز به اسرائیل هیچ گاه مثبت نبوده است. اسرائیل همواره به عنوان دشمن عراق عنوان می‌شد. از لحاظ منطقه‌ای، عراق به اسرائیل به چشم دشمن اعراب نگرسته و خواهان اتحاد میان اعراب علیه این کشور بود. (سنایی و عبدالله‌پور، ۱۳۸۸: ۱۷۱) جایگاه ایران به عنوان اصلی‌ترین حامی مبارزان فلسطینی در منطقه، می‌تواند نگرش مثبتی از ایران در اذهان مردم عراق ایجاد کند. در عین حال، مقابله با اسرائیل و صهیونیسم‌ستیزی می‌تواند اصل مشترکی بین دو کشور باشد که پیرامون این موضوع با یکدیگر همکاری کنند و همین همکاری می‌تواند به زمینه‌ای برای همکاری‌های دیگر دو کشور در مقابل دشمنان مشترک تبدیل شود و از این طریق، دو کشور به متحدی استراتژیک تبدیل شوند.

۱۱. برگزاری راهپیمایی روز قدس

اعلام روز جهانی قدس از سوی امام خمینی علیه السلام یکی از مهم‌ترین اقدامات انقلاب اسلامی بود. این اقدام تنها شش ماه پس از پیروزی انقلاب صورت گرفت و این نشان از عمق توجه ایران اسلامی به

مسئله فلسطین و اعتقاد عمیق رهبر انقلاب اسلامی به حمایت از مبارزات آنها بود. از طرف دیگر، اعلام روز جهانی قدس از سوی ایران اسلامی و حمایت بی‌دریغ آن از مردم فلسطین، موجب شده تا کشورهای مرتجع عرب منطقه در میان مردم خود و مردم فلسطین، خجل و شرم‌منده شده و به ناچار حمایت بیشتری از مردم فلسطین کرده و از میزان سازش‌نگین خود با رژیم صهیونیستی بکاهند. (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۴۳ - ۱۴۲)

بعد از اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس از طرف امام خمینی علیه السلام، مسلمانان در کشورهای مختلف هر ساله در این روز دست به راهپیمایی زده و ضمن حمایت از مردم فلسطین و تأکید بر لزوم آزادسازی بیت المقدس، حضور رژیم صهیونیستی را در سرزمین‌های اشغالی محکوم می‌کنند. این پدیده در بیشتر کشورهای مختلف منطقه، به ویژه در بحرین، لبنان، ترکیه، اندونزی، پاکستان، عراق و ... قابل مشاهده است. (احمدی و موسوی، ۱۳۸۹: ۹)

همان‌طور که ذکر شد، عراق نیز از جمله کشورهایی است که این سنت پسندیده را که رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران بنا نمود پاس می‌دارد. این سنت می‌تواند موجبات وحدت و همدلی ملت‌های دو کشور ایران و عراق را موجب گردد و زمینه‌های مشارکت این دو کشور در مسائل حساس منطقه‌ای را افزایش دهد و مسئولین ایران می‌توانند از این امر برای تقویت آرمان‌های انقلاب اسلامی که تولید‌کننده قدرت نرم ایران است نیز استفاده کنند و کشورهای منطقه را با خویش هم‌سو سازند.

۱۲. تأثیر انقلاب‌های ایران بر جامعه شیعی عراق

یک. انقلاب مشروطه ایران

جنبش مشروطیت که منجر به تشکیل مجلس و تهیه قانون اساسی در ایران شد، تأثیرات فراوانی بر حرکت نخبه‌گرایی سیاسی و مبارزاتی شیعیان در عراق گذاشت. (بشیر، ۱۳۸۸: ۶۵) نهضت مشروطه در ایران نه تنها تأثیر فراوانی بر بیداری سیاسی و اجتماعی نخبگان عراقی، جوانان و اقشار مختلف اجتماعی گذاشت، بلکه بر روی علمای دینی نیز تأثیرات وسیعی بر جای گذاشت. برخی از محققان، این انقلاب را نخستین پدیده‌ای می‌دانند که به ایجاد جنبش اسلامی در میان جامعه شیعی عراق کمک کرد؛ زیرا این واقعه نه تنها بر افکار عمومی شیعیان تأثیر نهاد، بلکه قدرت روحانیت شیعه را در رهبری یک انقلاب نشان داد. (الرهیمی، ۱۳۸۰: ۱۱۹)

طرفداران و مخالفانی در بین علمای عراق در ارتباط با مشروطه وجود داشت، اما بسیاری از علمای نجف از همان آغاز انقلاب مشروطه از مشروطه‌گران و به ویژه رهبران روحانی آن، آیت‌الله طباطبائی و بهبهانی هواخواهی می‌کردند. همچنین رویدادهای دوران استبداد صغیر، یعنی از آغاز بمباران مجلس

تا فتح تهران سبب اصلی خیزش جدی علمای نجف و مبارزات شدید آنان گردید. اقدام محمدعلی شاه در نابودی بنای مشروطیت، از دیدگاه علمای شیعه، فقط بازگشت به استبداد نبود، بلکه برنامه‌ای استعماری بود که هدفش تحکیم اراده بیگانه بر کشورهای اسلامی بود، به ویژه که این برنامه و اجرای آن با حمایت نظامی از سوی روسیه، یعنی دولتی که منافع استعماری کهنی در ایران داشت انجام شده بود.

در سایه این دیدگاه، سه تن از مجتهدان برجسته عراق، به نام‌های میرزا حسین خلیل (تهرانی)، محمد کاظم خراسانی و عبدالله مازندرانی طی فتوایی عموم مردم را به مبارزه با محمدعلی شاه و همراهی با مشروطه‌خواهان فراخواندند. (دادفر، ۱۳۸۹: ۱۵۶) این حرکت سیاسی به یک حرکت فکری و فرهنگی وسیع تبدیل شد که بر اثر آن آگاهی سیاسی و فکری عظیمی در میان عموم جامعه عراق به ویژه نخبگان سیاسی و فرهنگی آن ایجاد کرد.

به نظر می‌رسد انقلاب مشروطه ایران دو تأثیر عمده در جامعه شیعی عراق به جای نهاد: اولاً؛ این انقلاب، علمای ساکن در عتبات را قادر ساخت تا دیدگاه‌هایشان را نسبت به مشروطه و سیاست بیان کنند و خود را آماده ورود به تحولات بعدی تاریخ عراق کنند. (Nakash, 2003: 54-55) این انقلاب مراجع شیعی ساکن در عتبات را قادر ساخت تا با طرح نظریه‌های سیاسی در باب نوع حکومت، زمینه را برای حضور نمایندگان خود در امور دولتی فراهم نمایند؛ هدفی که نه تنها در طول انقلاب مشروطه ایران، بلکه در دوران تأسیس حکومت سلطنتی در عراق نیز دنبال می‌شد. در این مرحله مجتهدان تلاش نمودند تا با ارائه نظریه و نگرش سیاسی، اصول نمایندگی و مسئولیت و پاسخ‌گویی حکومت را در مقولات فقه شیعه مشخص کنند. *تنبيه الامه و تنزيه المله*، اثر آیت‌الله محمد حسن نائینی، مهم‌ترین و منظم‌ترین رساله‌ای بود که در دفاع از دموکراسی پارلمانی توسط یک فقیه برجسته شیعه در این زمان نوشته شد. (دادفر، ۱۳۸۹: ۱۵۷)

ثانیاً طی انقلاب مشروطه، شرایط برای طرح و بحث اندیشه‌های جدید توسط نوگرایان اسلامی فراهم شد؛ اندیشه‌های که تلاش شد تا به صورت جدی مورد بررسی قرار گرفته و زمینه برای اجرای آنان را در جامعه فراهم نمایند. (دادفر، ۱۳۸۹: ۱۵۷)

دو. وقوع انقلاب اسلامی

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای همجوار، منطقه خاورمیانه و جهان اسلام به طور خاص و جهان به طور عام تحت تأثیر عظمت این رخداد و پیام‌های جهانی و منطقه‌ای آن قرار گرفت. (برزگر، ۱۳۸۲: ۵۶) با توجه به ماهیت شیعی انقلاب اسلامی، طبیعی بود که بیشترین تأثیرگذاری

انقلاب در میان جوامع شیعی اتفاق بیفتد. وقوع انقلاب اسلامی، بی‌تردید به هویت‌یابی، خودآگاهی و معرفی شدن شیعه منجر شد. تا قبل از وقوع این انقلاب، شیعیان به صورت آتشی در زیر خاکستر پنهان بودند. آنان نقش زیادی در مناسبات سیاسی حکومت‌ها و ساختار قدرت جهانی نداشتند. این انقلاب، باعث برانگیخته شدن شیعیانی شد که به عنوان بخش خاموش جوامع مسلمان تا آن زمان هیچ گونه نقشی در سرنوشت خود و در ساختار سیاسی کشورهای خود نداشتند. (ملکوتیان، ۱۳۸۱: ۳) عراق از جمله کشورهایی بود که تأثیرات وقوع این انقلاب را با تمامی وجود احساس کرد. از مهم‌ترین فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه کشور عراق که موجبات صدور انقلاب اسلامی ایران را به این کشور فراهم آورد می‌توان به مرز مشترک جغرافیایی؛ وجود اکثریت جمعیت شیعه در جنوب عراق که بخشی از جمعیت نیز ایرانی‌الاصل بودند و رابطه علما و روحانیان دو کشور اشاره کرد.

عراق تنها کشور عربی است که با ایران دارای مرز زمینی مشترک است. اکثریت جمعیت این کشور، به طور عمده در جنوب و شهرهایی همچون کربلا، نجف، سامرا و کاظمین را شیعیان تشکیل می‌دهند. متعاقباً این جمعیت از برخی جهات تهدیدی جدی برای حکومت عراق به شمار می‌آمد؛ زیرا: ۱. بیشتر مردم عراق شیعه بودند، اما شیعیان کمترین سهم را در قدرت و ساختار سیاسی داشتند؛ لذا انقلابی با آموزه‌های تشیع و تأسیس حکومت دینی ممکن بود این اکثریت را به حرکت انداخته و صدام و حزب بعث را از قدرت ساقط کند؛ ۲. امام خمینی علیه السلام به عنوان مرجع شیعه در آن، جایگاه داشت؛ ۳. از همان روزهای اولیه آغاز انقلاب و انعکاس اخبار آن توده‌های مردم عراق - به خصوص شیعیان - عکس العمل‌های چشمگیری از خود نشان دادند و ۴. حزب الدعوه به عنوان یک تشکیلات سیاسی شیعی در آن زمان حداقل بیست سال سابقه فعالیت داشت. وقوع انقلاب موجب احیا، تشدید و توسعه فعالیت این حزب گردید و این امر برای رژیم عراق به طور جدی تهدید کننده بود. (عطارزاده و خانی، ۱۳۹۱: ۱۱۹)

علاوه بر این موارد، حضور آیت‌الله سید محمدباقر صدر که ارتباط نزدیکی با امام خمینی علیه السلام داشتند، مهم‌ترین فرصت و به بیانی عامل واسطه صدور انقلاب اسلامی ایران در عراق بود. سال‌ها مؤانست و رفاقت این دو روحانی عالی مقام شیعه و دیدگاه‌های مشترکشان، زمینه مناسبی برای تأثیر پذیرفتن عراق بود. آیت‌الله صدر حمایت کامل خود را از انقلاب اسلامی ایران اعلام داشت و شیعیان را به اطاعت و حمایت از آیت‌الله خمینی و اسلام فراخواند. (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۹)

پس از انقلاب، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق توسط جمعی از اعضای حزب الدعوه عراق در تهران پایه‌گذاری شد و روابط مقامات آن با مسئولان ایران تاکنون در سطحی بسیار گسترده و نزدیک حفظ شده است. (احمدی و موسوی، ۱۳۸۹: ۹) متعاقب با خودآگاهی عمیقی که میان شیعیان

عراق بعد از انقلاب ایران به وجود آمده بود، سخنگیری‌های رژیم علیه شیعیان نیز بیشتر شد، حزب بعث از طریق سرکوب مخالفان داخلی، هدفی جز جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی را مدنظر نداشت.

نتیجه

با توجه به اهمیت‌های استراتژیک عراق، بررسی منابع قدرت نرم ایران در این کشور بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا می‌تواند به تقویت و بازتولید قدرت نرم ایران کمک شایانی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق دارای منابع سیاسی زیادی است و این منابع سیاسی قدرت نرم ایران در کشور عراق جدید شامل موارد پیش رو می‌شود: مواضع و سیاست‌های اتخاذی ایران بعد از اشغال عراق، سقوط رژیم ضد ایرانی بعث، روی کار آمدن شیعیان در عرصه سیاسی، انتخابات پارلمانی در عراق و موقعیت شیعیان، سیمای ج.ا.ایران در منطقه به عنوان مخالف تروریسم و مواضع ایران در قبال تروریسم (القاعده و طالبان)، مواضع ضد اسرائیلی جمهوری اسلامی ایران، تأثیر انقلاب مشروطه ایران بر جامعه شیعی عراق، تأثیر انقلاب اسلامی بر عراق، احزاب فعال شیعی در عراق (حزب الدعوة الاسلامیه و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق)، راهپیمایی روز قدس، فرهنگ استقامت، استقلال و مبارزه با دخالت بیگانگان، روابط دیپلماتیک و مراودات مقامات حکومتی دو کشور ایران و عراق، مفاد قانون اساسی جدید عراق، کمک‌های بلاعوض و بشردوستانه ایران به عراق برای بازسازی، ویرانی‌های پس از جنگ، خروج نیروهای مجاهدین از عراق و غیره.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، سیدعباس و الهام سادات موسوی، ۱۳۸۹، «جغرافیای شیعه و فرصت‌های ایران در قلمروهای شیعی جهان اسلام»، در مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲. احمدی، عباس، ۱۳۹۰، ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه، تهران، اندیشه‌سازان نور.
۳. احمدی، علی، ۱۳۸۴، اخراج ایرانیان از عراق، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. احمدی، فرج‌الله و قزوینی حائری، ۱۳۸۹، «فرآیند تدوین قانون اساسی عراق»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲.
۵. اردیزی، فرج‌الله، ۱۳۹۰، «قدرت نرم ایران در عراق»، فصلنامه عملیات روانی، سال هفتم، زمستان و بهار، شماره ۲۸.

۶. اسداللهی، مسعود، ۱۳۸۲، *جنبش حزب الله لبنان: گذشته و حال*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. امیری، مهدی، ۱۳۸۹، «جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم» (معرفی کتاب)، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هشتم، بهار، شماره ۲۸.
۸. آیتی، علیرضا، ۱۳۹۱، *عراق کانون تأثیرگذار*، تهران، مؤسسه فرهنگی - هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. برزگر، کیهان، ۱۳۸۷، *عراق جدید و نظام سیاسی - امنیتی خلیج فارس*، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم.
۱۰. برنا بلداجی، سیروس، ۱۳۸۳، «شیعیان عراق، بررسی وضعیت جامعه شناختی»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال دوم، پاییز، شماره ۷.
۱۱. بشیر، حسن، ۱۳۸۸، «نقش نخبگان شیعی عراق در تحولات سیاسی کشور (۱۹۲۱ - ۱۹۵۸)»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال هفتم، شماره ۲۸.
۱۲. بی‌نا، ۱۳۸۹، «سران ۵ کشور در جشن جهانی نوروز»، *روزنامه ایران سیاسی*، سال شانزدهم، ۸ فروردین ماه، شماره ۴۴۶۲.
۱۳. بی‌نا، ۱۳۹۰، «گزارش تکان دهنده سازمان دیده بان حقوق بشر از نقض حقوق بشر در کمپ‌های وحشت منافقین، خروج ممنوع»، *روزنامه جام جم*، دوم تیرماه، شماره ۶۹.
۱۴. بیکی، مهدی، ۱۳۸۹، *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام و دبیرخانه همایش عملیات روانی.
۱۵. پیشگامی‌فرد، زهرا و دیگران، ۱۳۹۰، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد*، زمستان، شماره ۶۱.
۱۶. تلاشان، حسن، ۱۳۸۹، «دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال هشتم، شماره ۳۱.
۱۷. جاودانی مقدم، مهدی، ۱۳۹۱، «ژئوپلیتیک تشیع در خاورمیانه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هشتم، تابستان، شماره ۲.
۱۸. جعفریان، رسول، ۱۳۸۶، *تشیع در عراق، مرجعیت و ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۱۹. جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۵، *سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴ - ۱۳۴۴)*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۲۰. دادفر، سجاد، ۱۳۸۹، «تحول و دگردیسی در نمای جامعه شناختی شیعیان عراق در قرن بیستم (علل - پیامدها)»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال هشتم، زمستان، شماره ۳۲.
۲۱. دارابی، علی، ۱۳۸۹، *جریان‌شناسی سیاسی در ایران*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۸۸، «منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۹، پاییز، شماره ۳.
۲۳. رشاد، افسانه، ۱۳۹۰، «شاخص‌ها و کارکردهای قدرت نرم در فرایند سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *نامه دفاع (ویژه نامه سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی)*، شماره ۴ (پیاپی ۲۷)، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۲۴. رضایی، حسن، ۱۳۸۹، «عراق جدید، شیعیان و انتخابات دوم پارلمانی»، *فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای*، شماره ۳.
۲۵. الرهیمی، عبدالحلیم، ۱۳۸۰، *تاریخ جنبش اسلامی عراق (۱۹۰۰ - ۱۹۲۴)*، ترجمه جعفر دلشاد، اصفهان، چهار باغ، ج ۱.
۲۶. زیباکلام، صادق و محمدرضا عبدالله‌پور، ۱۳۸۸، «بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاستگذاری‌های امنیتی ایران در قبال عراق»، *فصلنامه سیاست*، مجله *دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۳۹، شماره ۴.
۲۷. ساعد، نادر، ۱۳۸۹، «بازدارندگی نرم؛ مبانی و کاربردهای دفاعی آن»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هشتم، بهار، شماره ۲۸.
۲۸. سجادی‌پور، محمدکاظم، ۱۳۸۳، «ایران و بحران بین‌المللی عراق: چالش‌ها و واکنش‌ها»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال هجدهم، زمستان، شماره ۴.
۲۹. سلیمانی پورلک، فاطمه، ۱۳۸۶، «ایران و آمریکا؛ در بستر تعاملات نرم افزایش قدرت و امنیت»، *نامه دفاع*، شماره ۲، پیاپی ۱۵.
۳۰. سلیمانی، علیرضا، ۱۳۸۰، «جایگاه سیاسی شیعیان عراق در تحولات سیاسی»، *ماهنامه نهضت*، سال دوم، شماره ۲۰.

منابع سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق جدید □ ۱۲۳

۳۱. سنائی، اردشیر و محمدرضا عبدالله پور، ۱۳۸۸، «رویاریبی ایران و آمریکا: رقابت در عرصه قدرت نرم و سخت»، فصلنامه دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، سال دوم، پاییز، شمارگان ۹ - ۸.

۳۲. عباسزاده فتح‌آبادی، مهدی، ۱۳۸۹، «القاعده پس از ۱۱ سپتامبر (با تأکید بر عراق)»، فصلنامه سیاست، دوره چهلیم، تابستان، شماره ۲.

۳۳. عطارزاده، مجتبی و اعظم‌خانی، ۱۳۹۱، «فرصت‌ها و چالش‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی در عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، مطالعات جهان اسلام، سال اول، تابستان، شماره ۲.

۳۴. فرهادی، محمد و محسن مرادیان، ۱۳۸۷، «درک قدرت نرم»، در قدرت نرم، ج ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

۳۵. فوزی، یحیی، ۱۳۸۶، «استراتژی و عملکرد سازمان مجاهدین خلق در برخورد با جمهوری اسلامی»، پژوهشنامه متین، بهار و تابستان، شماره ۳۵ - ۳۴.

۳۶. قاسمی، فرج‌الله، ۱۳۸۸، «مرجعیت و سیاست در عراق پس از اشغال؛ با تأکید بر اندیشه آیت‌الله سیستانی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، بهار، شماره ۴۵.

۳۷. کرمی، کامران، ۱۳۹۱، «محدودیت‌های قدرت نرم در سیاست بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکا شناسی - اسرائیل شناسی، سال سیزدهم، تابستان، شماره ۳.

۳۸. کرمی، مسعود، ۱۳۸۷، «قابلیت‌های بسیج و سرمایه اجتماعی»، در قدرت نرم، ج ۲، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۳۹. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۵، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۰. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۱، «انقلاب اسلامی و حوزه نفوذ خارجی»، هفته‌نامه پگاه حوزه، شماره ۵۶.

۴۱. نائینی، علی محمد، ۱۳۸۹، «درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، بهار، شماره ۲۸.

۴۲. واعظی، محمود، ۱۳۸۷، «تعامل ایران و آمریکا در عراق»، در ایران و آمریکا: تعامل در عرصه عراق، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، پژوهش ۱۵.

۴۳. هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی، ۱۳۸۸، «مقایسه میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه»، دانش سیاسی، سال پنجم، بهار و تابستان، شماره ۱.

44. Armistead, Leigh, 2004, *information operatio: warfare and the Hard Reality of soft power*, Washington, Brassy.
45. Bates, Thomas. R, 2002, "Gramsci and the theory of Hegemony", in James Martin, ed. Antonio Gramsci, *Critical Assessments of leading political philosophers*, vol II. New York, Rout ledge.
46. Nakash, Yitzhak, 2003, *The Shiis of Iraq*, Princeton University press.
47. Nye, Joseph s, 2004, *soft power: the Means to success in world politics*, New York, public Affairs.
48. Riedel, Bruce, 2007, "Al-Qaeda back", *foreign affair*, May-June.
49. Wehry, feredric and Et.Al, 2010, *The Iraq effect: The Middle East after the Iraq war*, California, Rand Corporation.